

گزارشی از دهمین حراج تجسمی تهران

حراج تهران یا پولشویی



میلاد جلیل‌زاده

روزنامه‌نگار

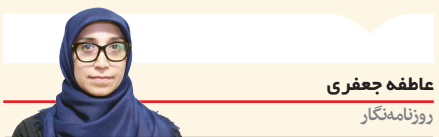
۱۹۰ میلیارد تومان یا بنا به نرخ امروز دلار در بازار ایران، حدود ۵۷۰ میلیارد تومان؛ این رقم پول‌هایی است که طی ۹ دوره در حراج نقاشی تهران، پای معامله تابلوهایی پرداخت شده که نه با ملاک‌ها و معیارهای هنری، بلکه با شیوه معروف به «اقتصاد سفتهای» قیمت‌گذاری شده‌اند و قیمت‌این تابلوها هم‌بنا بر ارزش‌گذاری منتقدان و کارشناسان نقاشی، بلکه با کل کل سرمایه‌داران تعیین می‌شود. اولین دوره از حراج تهران در سال ۱۳۹۱، سالی که شروع سونامی تورم و بالا رفتن قیمت‌ارزو کالاهای اساسی در اواخر دولت دهم بود، برپا شد. در آن دوره حراج تهران بسا دلار دو هزار و ۳۰۰ تومانی، ۲ میلیارد و ۲۴ میلیون تومان فروش داشت؛ یعنی بیش از ۱۰ میلیارد تومان با احتساب دلار به قیمت امروز. دومین دوره از این حراج در خردادماه سال ۹۲ چکش خورد و بسا دلار ۳۵۰۰ تومانی، بیش از ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان معامله داشت؛ یعنی رقمی در حدود ۲۰ میلیارد تومان باقیمت‌دلار امروز. روندبرگزاری حراج تهران تا خردادماه سال ۹۵ به‌طور سالانه بود، یعنی هر سال و در خردادماه تنها یک حراج برگزار می‌شد اما همان سال در دی‌ماه هم یک دوره دیگر از حراج تهران چکش خورد و از آن پس خردادماه به تیرماه تغییر کرد و دی‌ماه به عنوان حراجی دوم هر سال انتخاب شد.

سایت حراج تهران قیمت دلار را برای تیرماه و دی‌ماه



دومین اثر میلیار دی حراج دهم، اثر وای. زی. کامی (کامران یوسف‌زاده) با عنوان خودنگاره از کودکی که بین ۸۰۰ تا یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده بود و به قیمت یک میلیارد تومان چکش خورد

گزارش



عاطفه جعفری

روزنامه‌نگار

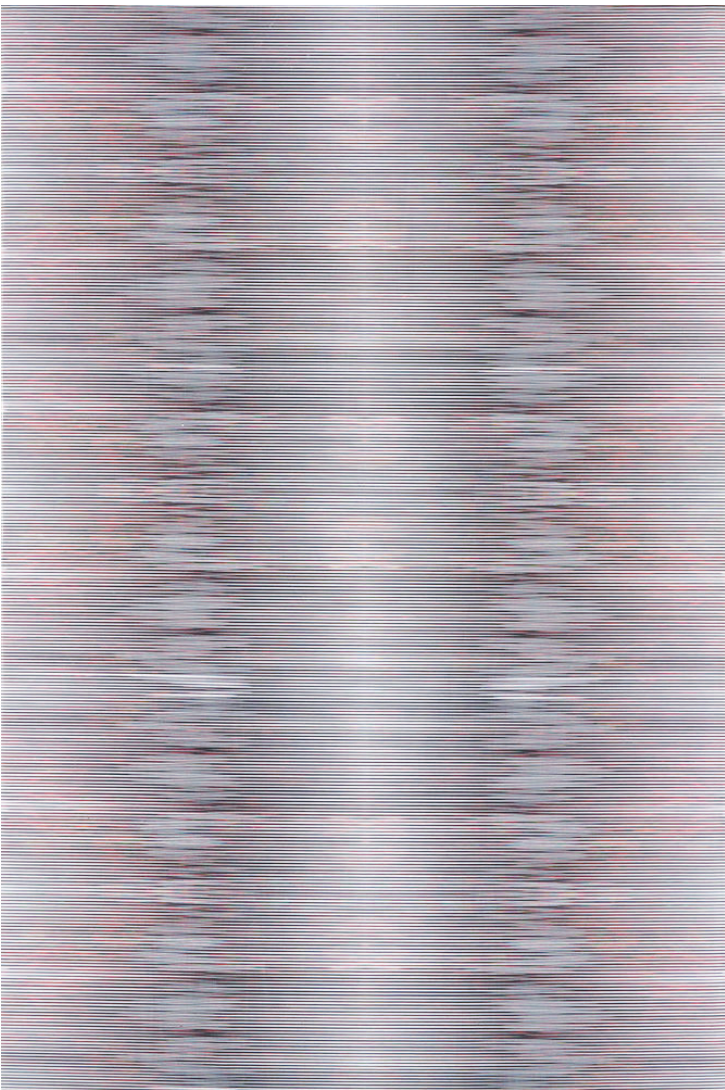
«دستگاه‌های چاپ در حال صادرات به کشورهای اطراف هستند،» خبر همین قدر کوتاه منتشر شد و در نگاه اول شاید همین که بگویند صادرات است، برای خیلی‌ها وجه مثبت و بارز ماجراست ولی نکته اینجاست که صادرات دستگاه‌های چاپ در شرایط فعلی برای ادامه فعالیت بخش مهمی از چاپخانه‌های کشور تبدیل به آفتی خواهد شد که در سال‌های آتی، گریبان صنعت نشر کشور را خواهد گرفت.

دستگاه‌هایی با قیمت‌های نجومی

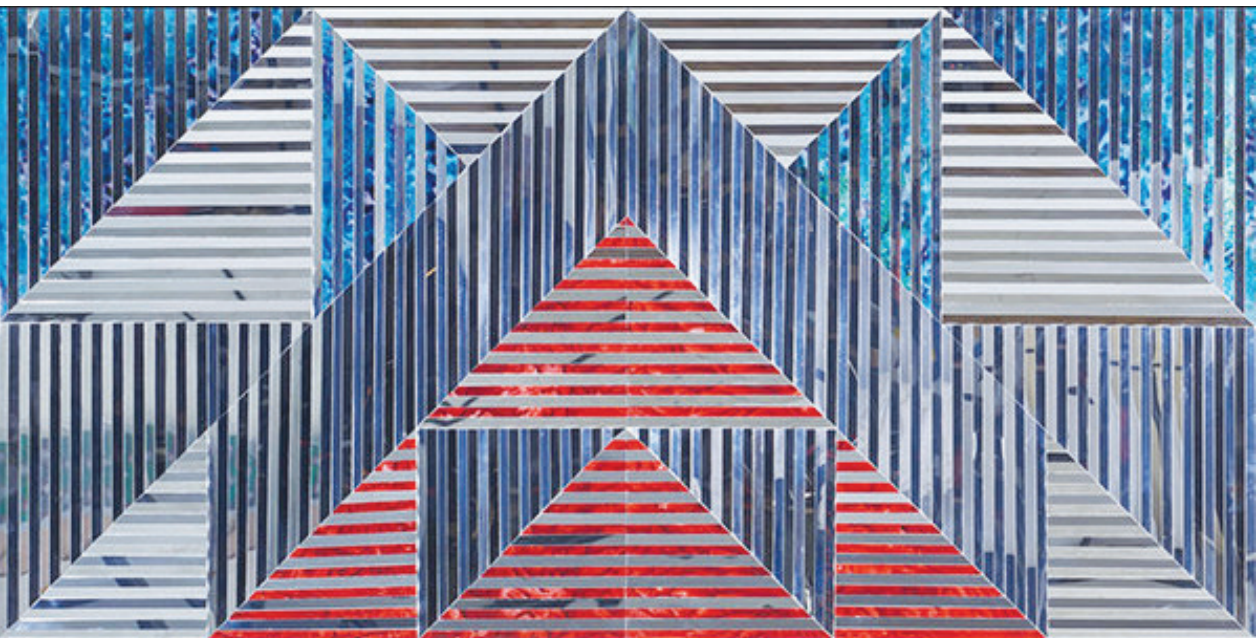
دستگاه‌های چاپ به دلیل شرایط فعلی کشور و نوسان قیمت‌ها در بازار ایران، نمی‌توانند مشتری چندانی داشته باشند ولی مشتری زیادی در کشورهای اطراف مخصوصا کشورهای عربی دارند، برای همین تولیدکننده این دستگاه‌ها در ایران به جای اینکه این دستگاه‌ها را برای مصرف داخلی نگه دارد و بخواهد با چک و تضمین آن را به چاپخانه‌دار بفروشد، تصمیم می‌گیرد خیلی راحت بدون اینکه برایش ضرری داشته باشد آن را به خارج از مرزها صادر کند. البته مثل همیشه وجود دلالتان را هم نباید ندیده گرفت، کسانی که به دنبال سود بیشتر دستگاه‌ها را از چاپخانه‌ها خریداری و با قیمت بیشتر به کشورهای اطراف می‌فروشند. مساله دیگری هم که وجود دارد اینکه امسال و بعد از بالا رفتن قیمت کاغذ، زینک و ملرومات چاپ، ناشران و همچنین چاپخانه‌ها گرفتار مشکلاتی از این دست شده‌اند. قیمت‌ها بالا رفت و به قول

بسه ارزش کار هنری در جامعه می‌زنند. تابلوهایی نقاشی نباید حکم سفته‌هایی را پیدا کنند که در چرخه‌ای شبیه بازار ملک یا ارز وارد معامله‌هایی با ارزش جبری صفر می‌شوند و نباید آنچنان بشود که یک نفر امروز تابلویی را چندصد میلیون تومان بخرد به نیت آنکه شاید چند سال بعد، چندین میلیارد آن را بفروشد. این حراجی‌ها به‌طور کل معیار ارزش‌گذاری آثار هنری را از دست آدم‌های این کاره در می‌آورند و به سفته‌بازان بازار سرمایه می‌سپارند. در نظام سرمایه‌داری ارزش ذاتی اشیا مهم نیست و ارزش‌ها توسط قیمتی که سوداگران روی هر کالا می‌گذارند تعیین می‌شود؛ به‌طوری که حتی بی‌ارزش‌ترین چیزها اگر قیمت‌گذاری بالایی داشته باشند، ارزشمند محسوب می‌شوند. سال ۲۰۰۸ میلادی، آقای جی لنو که در یک برنامه تلویزیونی مشغول مصاحبه با خانم اسکالر ت جوهانسون بود، با مشاهده سرماخوردگی او یک دستمال کاغذی به این هنرپیشه هالیوودی می‌دهد و جوهانسون با دستمال کاغذی دوبار اقدام به تمیز کردن بینی خود می‌کند. بعدها این دستمال کاغذی در جریان یک حراجی آمریکایی به قیمت ۵۳۰۰ دلار

فروخته شد. اینکه سبک از ارزش‌گذاری کالاهای هنری که در نظام سرمایه‌داری رایج است، نه تنها قصد دارد جامعه را با گستاخی ثروتمندان در وارونه کردن ارزش‌های انسانی کنار بیاورد و از این طریق بزرگ‌ترین صدمات را به تفکر و عاطفه بشری خواهد زد، بلکه روزنه‌هایی را برای کلان‌ترین پولشویی‌ها هم فراهم می‌کند.



این اثر فرامنفر ماییان که بین ۳ تا ۲ میلیارد تومان قیمت‌گذاری شده بوده است به قیمت ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان چکش خورد و تا اینجا رکورد دار دهمین حراج تهران شد



اثر دیگری از منیر فرمانفرماییان و بدون عنوان که به قیمت ۴ میلیارد تومان چکش خورد، بین ۳ تا ۴ میلیارد تومان قیمت‌گذاری شده بود. این اثر رکورد دار حراج تهران است



اثر پی‌روز + جی، از حسین زند رودی بین ۳ تا ۴ میلیارد تومان قیمت‌گذاری شده بود که به قیمت ۳ میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان چکش خورد

آمار فروش حراج تهران بین سال های ۹۱ تا ۹۷			
سال	فروش کل حراج تهران به تومان	نرخ دلار	فروش کل به دلار
خرداد ۹۱	۲,۰۲۴,۰۰۰,۰۰۰	۲,۳۰۰	۸۸۰,۰۰۰
خرداد ۹۲	۶,۶۲۷,۰۰۰,۰۰۰	۳,۵۰۰	۱,۸۹۳,۴۲۹
خرداد ۹۳	۱۳,۴۹۱,۰۰۰,۰۰۰	۳,۲۰۰	۴,۲۱۵,۹۳۸
خرداد ۹۴	۲۰,۶۹۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۴۰۰	۶,۰۸۵,۲۹۴
خرداد ۹۵	۲۵,۷۸۷,۰۰۰,۰۰۰	۳,۷۰۰	۶,۹۶۹,۴۵۹
دی‌ماه ۹۵	۱۲,۳۴۴,۰۰۰,۰۰۰	۳,۹۰۰	۳,۱۶۵,۱۲۸
تیرماه ۹۶	۲۶,۱۱۳,۰۰۰,۰۰۰	۳,۸۰۰	۶,۸۷۱,۸۴۲
دی‌ماه ۹۶	۱۴,۴۹۲,۰۰۰,۰۰۰	۳,۸۰۰	۳,۸۱۳,۶۸۴
تیرماه ۹۷	۳۱,۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۲۵۰	۷,۴۷۷,۶۴۷
دی‌ماه ۹۷	۳۴,۴۰۳,۰۰۰,۰۰۰	۴,۲۰۰	۸,۱۹۱,۱۹۰
جمع کل	۱۸۷,۷۵۱,۰۰۰,۰۰۰		

نرخ تابلوهایی که در حراجی تجسمی تهران معامله می‌شوند، ارتباط مستقیمی با نرخ روز دلار در بازار ایران دارد. به عبارتی این تابلوها حکم دلار را برای صاحبان‌شان خواهند داشت؛ چون با ریال خریداری می‌شوند و ارزش‌شان همراه با دلار بالا می‌رود بی‌اینکه صاحبان‌شان را به احتکار ارز متهم کنند. ارزش دلار برای دو حراجی اخیر تهران حدود ۴۲۰۰ تومان در نظر گرفته شده درحالی که این ارز هم‌اکنون دو نرخی است و نرخ ۴۲۰۰ تومانی عملا در این روزها وجود خارجی ندارد

گزارش کوتاه «فرهنگیان» از خبر درگوشی معاون وزیر

دلالتان، دستگاه‌های چاپ را هدف گرفته‌اند

به دستگاه بیشتر نداشتیم، مدیر چاپخانه تعدادی از دستگاه‌ها را فروخت تا بتواند حقوق عقب‌مانده بچه‌ها را پرداخت کند،»

دلالتان همیشه در صحنه

گردش مالی صنعت چاپ در کشورهای دیگر رقم سرسام‌آوری است و به‌عنوان یکی از پرسودترین صنعت در دنیا از آن یاد می‌کنند، اما در کشور ما قضیه برعکس است و روزبه‌روز چاپخانه‌های بیشتری تعطیل می‌شوند. در این اوضاع فکر کنید که دستگاه‌های موجود چاپ در کشور صادر شود، دستگاه‌هایی هم که کم و بیش در چاپخانه‌ها در حال فعالیت هستند رکود حاکم بر بازار چاپ و نشر سایه‌اش را بر سر آنها هم انداخته است و باعث شده تا از این دستگاه‌ها استفاده چندانی نشود و همین مساله موجب شد تا تعداد زیادی از مدیران این چاپخانه‌ها دستگاه‌های چاپ خود را به فروش بگذارند. مطمئنا خریدار این دستگاه‌ها دلالتانی می‌شوند که



همیشه در این اوضاع آشفته حضور دارند و بعد هم با قیمتی بالاتر به کشورهای اطراف می‌فروشند. نتیجه این کار چیزی نیست جز بالا رفتن هزینه چاپ طی ماه‌ها و سال‌های آینده. علی‌فروودی، حدود ۵۰ سالی است که چاپخانه دارد. کارش میراث خانوادگی است و در این سال‌ها با همه افت و خیز، سعی کرده بتواند این میراث خانوادگی را سراسر بانه دارد اما دوسال اخیر خیلی اوضاع بر وفق مرادش نبوده و از یک ماه پیش مجبور شده ملک چاپخانه را به فروش برساند. اودر باره این روزها شرایط سختی که گرفتارش شده است، می‌گوید: «یادم می‌آید اوایل سال ۶۰ و ۷۰، کار چاپخانه‌ها رونق زیادی داشت. خیلی‌ها دوست داشتند که وارد این کار شوند چون برای کسانی که وارد این کار می‌شدند سود زیادی داشت. همین چاپخانه خودمان حدود ۹۰ کارگرداشت، شاید اگر الان این مساله را به کسی بگوئید، باورش نشود که در یک چاپخانه متوسط حدود ۹۰ نفر کسب درآمد داشتند اما دقیقا در این چاپخانه که

الان سوت و کور شده است، ۹۰ کارگر مشغول کار و فعالیت بوده‌واز همین چاپخانه ارتزاق می‌کردند.» از اودر باره چرایی تعطیل شدن این چاپخانه که به قول خودش میراث خانوادگی‌شان هم هست، می‌پرسم، با نگاهی پر از حسرت به چاپخانه خالی نگاه می‌کند و می‌گوید: «دستگاه‌ها قدیمی شده بود، اما خوب دنیا رو به پیشرفت بود و چاپ با کیفیت هم برای مشتری مهم است. با نگاهی که به آینده داشتم و با اینکه می‌دانستم، در بازار رکود حاکم است، اما باز

هم تصمیم گرفتم تا دستگاه‌های جدیدی را وارد چاپخانه کنم، دستگاه‌های قدیمی را فروختم تا بتوانیم دستگاه‌های جدید را جایگزین آنها کنیم اما از شانس بد ما با این نوسانات قیمت برخورد کردیم و با بالا رفتن قیمت‌ها دیگر نتوانستیم دستگاه‌های جدید بخریم.» قیمت دستگاه‌های جدید را که می‌پرسم، می‌گوید: «شما فکر کنید، ماشین چاپ ۴۰۰ میلیون تومانی که به راحتی در بازار عرضه می‌شد با این نوسانات به وجود آمده قیمتش به یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان یا حتی بیشتر از اینها هم رسیده است، واقعا توان خرید دستگاه جدید را نداشتیم و مجبور شدیم که چاپخانه را تعطیل کنیم.»

بی‌توجهی عاقبت ندارد!

صحبت‌هایش را که می‌شنوم به یاد کتابفروشی رود در خیابان کریمخان می‌افتم که خواستند کتابفروشی را بزرگ‌تر کنند، اما بعد از فروختن کتابفروشی به یک‌باره قیمت زمین و مغازه چندین برابر شد و دیگر نتوانستند کتابفروشی جدیدی بخرند و به اجبار کتاب‌هایشان را حراج کردند که دیگر انبار برای نگهداری کتاب‌ها کرایه‌نکنند. خبر جدید صادرات دستگاه‌های چاپ از داخل یکی از جلسات خصوصی وزارت ارشاد بیرون آمده است و توسط یکی از معاونان وزیر گفته شده، مساله‌ای که مطمئنا هیچ کس نباید از کنار آن راحت بگذرد، اگر این اتفاق بیفتد و دستگاه‌های تولید شده، صادر شوند و چاپخانه‌داران هم مجبور شوند دستگاه‌های قدیمی‌شان را بفروشند، تعداد کمی چاپخانه برای چاپ و نشر در داخل کشور باقی می‌ماند و همین باعث قیمت سرسام‌آور چاپ می‌شود. مساله‌ای که اگر مثل بحران کاغذ از کنار آن عبور کنیم و بی‌توجه باشیم می‌تواند بحران جدیدی را برای چاپ کتاب و حتی چاپ روزنامه‌ها و نشریات پدید آورد.